

ضرورت تشکیل شبکه سازمان های مردم نهاد محیط زیستی

ایرانیان از شمار نخستین ملت هایی در جهان بوده اند که به وضع قوانین زیست محیطی همت گماشته اند. این قوانین نه از جانب حکومت ها بلکه از سوی مردمانی با فرهنگ غنی وضع می شد که به اهمیت حفظ محیط زیست کاملا آگاه بودند و به پاسداری از منابع طبیعی ایمان و اعتقاد از سر آگاهی داشتند، به طوری که حکومت ها نیز مجبور بودند برای بقا، خود را با خواست و باورهای مردم هماهنگ سازند و به آن ها احترام بگذارند.

اما بررسی گزارش های تکان دهنده زیست محیطی کشور، نشان گر ضعف شدید در مدیریت فرهنگی و محیط زیستی کشور و بی اعتنایی برخی مدیران دولتی به دست آوردهای فرهنگ ملی در این حوزه است.

رتبه بندی مشکلات محیط زیستی یکی به لحاظ مادی بودن و دیگری به لحاظ اثر بخشی مستقیم روی سلامتی انسان ها است براین اساس مهمترین معضل آلودگی هوا و ریزگردهاست. آلودگی هوا در کلان شهرها و دیگری هم گرد و غبار است که موضوع ریزگردها تا ۲۵ استان، به طور مستقیم ۳۵ تا ۴۰ میلیون نفر را تحت تاثیر قرار داده است. از سوی دیگر تالاب هامون، بختگان، پریشان و ۴۵ تالاب دیگر که بدلیل سوء مدیریت منابع آب و فقدان آن دچار آسیب های جدی شده اند. آلودگی آب هم یکی دیگر از مسائل مهم است یعنی علاوه بر آنکه تالابها در حال خشک شدن هستند منابع آب موجود هم از جمله سفره های آب زیرزمینی و رودخانه ها بسیار آلوده هستند. از لحاظ مصرف انرژی در بهترین حالت در مقایسه با کشورهای هم سطح خودمان پنج برابر و در مقایسه با کشورهایی که خیلی خوب انرژی را مدیریت می کنند تا ۱۷ برابر بیشتر است. در بحث تنوع زیستی شاخص ها و استانداردهای جهانی می گوید تنوع زیستی گیاهی و جانوری بین ۱۰ تا ۱۰۰۰ برابر بیشتر از سرعت طبیعی خودش در کره زمین حال از بین رفتن است. بادر نظر گرفتن این شاخص ها در ایران می توان به این جمع بندی رسید که در حوزه محیط زیست با وضعیت نابسامانی روبرو هستیم. که دلیل آن خشکسالی، رشد زیاد جمعیت، مداخلات بسیار گسترده در زیستگاهها از طریق احداث راه ها، ساختمان، تخریب و همین طور شکار بی رویه است که محیط زیست را به سمت نابودی می کشاند.

رویکرد داخلی کشورها در برخورد با شکننده های محیط زیستی شامل دو دسته است: اول کشورهایی که نهادهای مردمی در آن دست بالا را دارند. دسته دوم کشورهایی که به نهادهای مردمی مجال حضور نمی دهند. بطور عمومی وضعیت محیط زیست در کشورهای دسته دوم ناگوارتر است و همین باعث شده تا همگرایی خوب یا حکمرانی مطلوب هم بعنوان بخشی از مدیریت جهانی محیط زیست و توسعه پایدار به رسمیت شناخته شود.

لذا برای توسعه کشور نیازمند یک جامعه قدرتمند هستیم و جامعه قدرتمند نیازمند مشارکت بیشتر مردم است، بنابراین باید زمینه های حضور و مشارکت فعال مردم را فراهم نمود. تعامل سازمان های مردم نهاد با دولت و حفظ و ارتقای سرمایه های اجتماعی در سایه فعالیت گروه های مردمی است و باید یار و بازوی دولت باشند و در شرایطی هم دولت ساز باشند. زیرا دولت ها به تنهایی نمی توانند همه وظایف را به دوش بگیرند و اساس سیاست دولت ها باید بر این باشد که در همه امور و

هرجایی که می تواند وظایف را به مردم و تشکل های مردمی واگذار نماید. به عبارتی با مردم، برای مردم و به وسیله مردم باشد.

در تمامی عرصه ها از جمله محیط زیست هم نیازمند حضور و فعالیت تشکل های غیردولتی در این زمینه در کنار دولت برای حل مشکلات محیط زیستی بسیار ضروری به نظر می رسد. با توجه به رویکرد معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان متولی طبیعت ایران و نگاه مثبت ایشان در سازمان حفاظت محیط زیست تقویت «سمن» ها بوده و خواهد بود. اما اگر در تاسیس «سمن» ها کارهای تشویقی انجام می دهیم باید پیگیر آن ها نیز باشیم. وقتی «سمن» ها مطرح می کنند که مشکل دریاچه اورمیه با آوردن آب از دریای خزر حل نمی شود باید پیگیری شود که چرا حل نمی شود. معمولاً سمن های محیط زیستی از قدرت اجرایی لازم برخوردار نیستند و همیشه از این موضوع گلایه داشته اند. یکی از راهکارهای حل این مشکل تشکیل اتحادیه ای است که سمن های محیط زیستی را با تغییر دولت ها دستخوش تغییر نکند. این اتحادیه را می توان از مجرای شبکه بندی سمن ها ایجاد نمود.

منظور از واژه «شبکه» همکاری سازمان یافته مجموعه ای از سازمان های مردم نهاد (به عنوان اشخاص حقوقی) است که علاوه بر دارا بودن اهداف و موضوع فعالیت مشترک، شرایط مقرر ذیل ماده ۱۹ آیین نامه اجرایی تاسیس و فعالیت سازمان های مردم نهاد به شماره ۲۷۸۶۲/ت/۳۱۲۸۱هـ-مورخ ۸/۵/۸۵ هیئت وزیران را دارا بوده و سیاست یکسانی را برای رسیدن به اهداف کلان در سطح استانی و ملی اعمال نمایند.

حرکت به سمت سازماندهی و شبکه سازی سمن های محیط زیستی در این راستاست که معنا می یابد، اقدامی که باید در یک فرآیند دموکراتیک و از پایین به بالا - بدون دخالت هیچ نهاد دولتی و کاملاً آزادانه شکل گیرد. زیرا رسیدن تشکل ها به این موقعیت، اجازه نمی دهد با آمدن یا رفتن مسئولین دولتی نقش، اهمیت و منزلت تشکل های مردم نهاد در اولویت های راهبردی کشور کمرنگ شود.

اما این موضوع با آسیب هایی نیز همراه است که اگر مدیریت نشوند می تواند شبکه بندی سمن ها را با مشکل روبرو سازد. با توجه به همه ی بحث هایی که تاکنون در این حوزه صورت گرفته به نظر می رسد ضرورت شبکه سازی از جمله مهمترین مواردی است که در میان فعالان مدنی باید بیش از پیش مورد توجه قرار بگیرد، هنوز مردم و فعالین مدنی نتوانستند به صورت سازمان یافته جامعه را در مقابله با آسیب های اجتماعی و محیط زیستی بسیج کنند و این امر نیاز به ظرفیت سازی در میان نهادهای دولتی و بخش خصوصی دارد تا امکان حضور سازمان یافته اجتماعی مردم را فراهم کنند. نگرش قانونگذاری در کشور گاهی نگرش مچ گیرانه است نگاه قانون گذار هم باید اصلاح شود اصلاح نگرش مچ گیرانه در قوانین که در بسیاری از موارد هزینه های زیاد با بهره وری پایین را به سیستم تحمیل کرده باید تغییر کند.

با توجه به شعار دولت تدبیر و امید به مشارکت مردم در پیش برد اهداف توسعه پایدار کشور و ارتقای سطح کمی و کیفی زندگی شهروندان و با عنایت به باور خود اعضای دولت تدبیر و امید روز به روز شاهد افزایش نشاط اجتماعی باشیم. بی

شک رشد چشمگیر مشارکت مردم در قالب خدمات تشکل های غیر دولتی در سپهر اجتماعی ایران اسلامی خواهد درخشید و ندای پر امید و با نشاط جامعه مدنی ایران را به گوش جهانیان خواهد رسانید. تلاش سازمان های مدنی و زیست محیطی اگر چه در بعضی موارد با بی مهری روبه رو شده بود اما ارزش معنوی و داوطلبانه بودن آن بسیار ارزشمند است که لازم است به این مقوله توجه ویژه شود. باید به این نکته اشاره کرد که تشکل های غیر دولتی در مراحل تصمیم سازی و سیاستگذاری ، برنامه ریزی ، اجرای پروژه ها و همکاری با دولت ، فرهنگ سازی و آموزش، بسیج افکار عمومی و نقد و نظارت در راستای اصل پنجاه قانون اساسی می تواند نقش تعیین کننده و کلیدی و انکار ناپذیر را ایفا نمایند. زیرا روند شتابان تخریب محیط زیست وارد مرحله ای تهدید کننده شده است که ضرورت متداوم جدی با انسجام همه نهاد های دولتی و غیر دولتی را می طلبد . می توان گفت سازمان های غیر دولتی محیط زیستی به مشابه یکی از مهم ترین بازیگران عرصه توسعه پایدار نیاز مند به رسمیت شناخته شدن ، حمایت و تقویت هستند. در این رابطه فراهم آمدن بستر مناسب برای ادامه فعالیت آنها اجتناب ناپذیر است. نگرش غالب و رایج امنیتی به این سازمان ها باز دارنده بوده و آسیب جدی به این سرمایه های اجتماعی وارد می نماید. ظرفیتی که اگر از آن به خوبی استفاده شود و به کار گرفته شود می تواند گره گشای گره کور محیط زیست کشور باشد. بر همین اساس تغییر نگرش نسبت به سازمان های غیر دولتی محیط زیستی امری ضروری است.

تقویت شبکه سازمان های غیر دولتی زیست محیطی ایران که حاصل همدلی ، هم نگر و همکاری سازمان های یاد شده در سر تا سر کشور است پس از صرف زمان و انرژی بسیار شکل گرفته است فعالیت های آن دستاورد های ارزشمندی را برای جامعه تشکل های محیط زیستی کشور و محیط زیست به همراه خواهد داشت. باشد که با همراهی و همدلی همه فعالان و دلسوزان در حوزه محیط زیست ایرانی آباد و به دور از همه مشکلات داشته باشیم.